



از خواسته‌های فرهنگیان قاطعانه پشتیبانی کنیم!

صدای اعتراض بر حق آموزگاران و فرهنگیان پیش از به‌صدا درآوردن زنگ مدارس در اول مهرماه ۱۴۰۰ در سطح کشورمان طنین‌انداز شد. آموزگاران بلافاصله پس از شروع سال تحصیلی جدید مبارزه را ادامه داده و یک‌صدا خواهان افزایش دستمزدها، پرداخت هرچه سریع‌تر پاداش پایان خدمت و موقوفات فرهنگیان بازنشسته، اجرای رتبه‌بندی مشاغل، استخدام رسمی، حذف آزمون‌های استخدامی، حق تشکیل سندیکاهای مستقل و آزادی معلمان زندانی شدند. معلمان ضمن اعتراض به خصوصی‌سازی آموزش و حضور پیمانکاران در عرصه آموزش و پرورش خواهان از میان برداشته شدن سامانه خصوصی‌سازی در آموزش و پرورش هستند. ارتقا سطح کیفی مدارس دولتی که با برنامه از قبل تهیه شده به وضعیت نامطلوبی کشانده شده از دیگر خواسته‌های معلمان است.

اعتراض فرهنگیان اعم از رسمی، قراردادی، کارنامه‌سبز، و بازنشسته در این اعتراضات به وعده‌های پوچ و بی‌پشتوانه از طرف مقامات بی‌کفایت و وخیم‌تر شدن وضعیت معیشت زحمتکشان که ریشه در سیاست‌های کلان ضد ملی رژیم دارد، نشانه‌ای از احساس مسئولیت و درک عمیق معلمان زحمتکش نسبت به سرنوشت دانش آموزان، جامعه و نسل‌های آینده این **ادامه در صفحه ۳**



شماره ۵۱، ۱۹ مهر ماه ۱۴۰۰



فراخوان کارگران هفت تپه به مردم خوزستان

در آخرین لحظاتی که ضمیمه کارگری آماده انتشار می‌شد مطلع شدیم که صدها تن از کارگران هفت تپه در پی انتشار خبرهایی مبنی بر واگذاری شرکت هفت تپه به سازمان تامین اجتماعی، و همچنین بی‌توجهی مسئولین استان و رژیم به خواست‌های برحقشان با فراخوان و دعوت سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به صورت دسته جمعی راهی اهواز شدند و در خیابان‌های اهواز به سمت ساختمان استانداری خوزستان راهپیمایی کردند. کارگران معترض و اعتصابی با مقابل ساختمان استانداری در اهواز شعارهایی از قبیل "مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر" را سر دادند. برخی از کارگران هفت تپه همچنین با انتشار بیانیه‌ای با عنوان: "واگذاری شرکت هفت تپه به تامین اجتماعی ورشکسته را نمی‌پذیریم!" از جمله اعلام کردند: "از کارگران هفت تپه - رونوشت به مردم شوش، حر، شاورر، کرخه، دزفول، اندیمشک، شوشتر برای اطلاع درباره یک نقشه شوم درباره شرکت هفت تپه و دعوت از همه شما به آمادگی برای پیوستن به اعتراضات برای نجات هفت تپه در صورت عدم واگذاری شرکت به هفت طرح خوزستان بر اساس اخبار واصله که از منابع دولتی و در ایدرو اعلام شده، آخرین تصمیم دولتی‌ها این است که شرکت هفت تپه را به سازمان ورشکسته تامین اجتماعی واگذار کنند. تصمیم ضد کارگری شان برای این واگذاری به علت بدهی‌های دولت به این سازمان (بالغ بر ۳۴۰ هزار میلیارد تومان!!!) است.

هدف اصلی در پشت این برنامه شوم این است که چون تامین اجتماعی نهایتاً فرار است تا سال ۱۴۰۴ به طور رسمی ورشکسته اعلام شود بخشی از دارایی‌های این سازمان به فروش برسد. یعنی قرار است که شرکت هفت تپه را اینبار سازمان تامین اجتماعی بابت بدهی‌هایش به بخش خصوصی بفروشد و باز هم ما درگیر یک کثافت کاری و غارت و گرسنگی و دردسر مانند اسدیگی بشویم. این موضوع به هیچ وجه برای ما قابل قبول نیست. دولت نتولیرال رئیسی دقیقاً همان برنامه‌های دولت روحانی را علیه کارگران اجرا میکند... ما همان به اصطلاح شما مسئولین، تبعات امنیتی هستیم که اینبار محکم‌تر اقدام خواهیم کرد! اگر کمی متوجه بودید با معیشت اینهمه آدم بازی نمی‌کردید و با کارگران هفت تپه زورآزمایی نمی‌کردید. ما از امروز آغاز به گستردن اعتراضات در شوش و منطقه و حتی خوزستان خواهیم کرد. شرکت هفت تپه منبع امرار معاش نه تنها کارگران هفت تپه و شوش بلکه چند شهر مهم منطقه و خوزستان است و مطمئن باشید تمام مردم این منطقه در صورت به خطر افتادن دوباره هفت تپه با اعتراضات ما همراه خواهند شد. این هشدار آخر ماست."

حزب توده ایران یکبار دیگر اعلام می‌کند که از خواست‌های برحق کارگران نیشکر هفت تپه دفاع می‌کند و ضمن اعلام همبستگی و حمایت از کارگران مبارز و جان به لب رسیده هفت تپه همچنین خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه کارگران دستگیر شده و همه زندانیان سیاسی - عقیدتی در ایران است.

زحمتکشان برای دستیابی به مطالبه خود؛ راهی جز تشدید مبارزه و اتحاد عمل فراگیر ندارند!

اعتصاب کارگران معدن در چند نقطه کشور، گردهمایی‌های اعتراضی سراسری فرهنگیان، افزایش نارضایتی و تجمع‌های بازنشستگان، اعتصاب دوباره در مجتمع نیشکر هفت‌تپه، اعتراض کارگران پالایشگاه کرمانشاه، و دهها اعتصاب و حرکت اعتراضی دیگر در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها در مقیاس سراسر کشور از زمره مهم‌ترین رویدادهای میهن ما در هفته‌های اخیر بوده است. هم‌زمان با آغاز به‌کار دولت ابراهیم رئیسی همان‌گونه که انتظار می‌رفت، شاهد یک‌رشته مانورهای هدفمند برای مهار و کنترل جنبش اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان بودیم. این مانورهای فریبکارانه هم‌زمان با اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی صورت می‌گیرد. جلسه ستاد هماهنگی اقتصادی دولت در اواخر شهریورماه و تأکید این ستاد بر ثبات بازار در چارچوب برنامه تعدیل ساختاری و همچنین سخنان رئیس اتاق بازرگانی در نشست هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران مبنی بر لزوم ایجاد فضای مساعد کسب‌وکار با مقررات‌زدایی، نمونه‌هایی گویا از راهبرد اقتصادی - اجتماعی دولت و مجموعه حکومت است. درحالی‌که رئیسی در یکی از نخستین اقدام‌های خود در جمع کارگران معدن **ادامه در صفحه ۲**

**پیش به سوی سازمان دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد
ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، سرکوب حقوق صنفی و برای تشکیل سندیکاهای
مستقل کارگری!**



میان برخی
فعالان
حرکت‌های
سندیکایی
هشدار داده‌ایم.
سیاست رژیم
در قبال جنبش
اعتراضی
زحمتکشان

یک برنامه چندوجهی است که از فریب و تطمیع تا تهدید و سرکوب را دربر می‌گیرد. یکی از شیوه‌های رایج کنونی، فریب زحمتکشان به هدف مهار و کنترل اعتصاب‌ها و اعتراض‌های رو به گسترش است. اقدام‌هایی نظیر حضور رئیسی در میان معدنکاران و قول‌های بی‌پشتوانه او یا دیدار رهبران و مسئولان تشکل‌های زرد حکومتی با وزیر کار دولت سیزدهم به ابتکار خانه کارگر و کانون عالی انجمن‌های صنفی و تبلیغ در این باره که وزیر کار به فکر حل معضل‌های کارگران است، همگی با هدف ایجاد انشقاق در حرکت‌های سندیکایی و سازمان‌دهی اعتصاب‌های کنونی صورت گرفته و می‌گیرد. در این مرحله یکی از اولویت‌های نهادهای امنیتی با همدستی تشکل‌های زرد کارگری و نیز جریان‌های ناسالم و بعضاً نفوذی کشاندن جنبش اعتراضی و رهبری آن به میدان دلخواه و طراحی شده حکومت جمهوری اسلامی است. نهادهای امنیتی و تشکل‌های زرد حکومتی تلاش دارند با فریب و تهدید، صحنه، شیوه و روش مبارزه را به جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی تحمیل کنند. این امر یکی از مهم‌ترین جنبه‌های سیاست رژیم در آغاز کار دولت سیزدهم است. کنترل اعتصاب‌ها و جنبش اعتراضی در چارچوب موردنظر رژیم همراه با ایجاد تفرقه در صف‌های جنبش کارگری بخشی از راهبرد فروکاستن از خشم و ناراضی زحمتکشان است. سران حکومت در چارچوب این راهبرد می‌کوشند فضای سیاسی کشور را در کنترل خود داشته تا برپایه سیاست حفظ نظام با حل و فصل ماجرای پرونده هسته‌ای، مناسبات خود با امپریالیسم را بازتعریف و ترمیم کنند. برای پیش‌برد این سیاست جلوگیری از بروز رخدادها و خیزش‌هایی نظیر آبان‌ماه ۱۳۹۸ و اعتصاب متشکل کارگران پروژه‌ای نفت از اهمیتی جدی دارد.

در مقابل این سیاست وظایف ما چیست؟ چه سیاست‌ها و راهکارهایی را برای تأمین منافع طبقه کارگر و زحمتکشان باید تدوین کرده و به کار گرفت؟ به اعتقاد ما تقویت نقش جنبش کارگری- سندیکایی در این میان مهم‌ترین وظیفه و درواقع نکته محوری است. در این ارتباط طبقه کارگر و زحمتکشان باید با تلفیق مبارزه صنفی و سیاسی در راستای استقلال ملی، جلوگیری از لطمه‌های سنگین به منافع ملی و تاراج ثروت همگانی بیکار کرده و هم‌زمان با تشدید مبارزه برای دستیابی به حقوق صنفی‌رفاهی در راه پیوند و همکاری بیشتر با جنبش همگانی ضد دیکتاتوری خستگی‌ناپذیر فعالیت کنند. در عرصه وظایف صنفی‌رفاهی ضرور است خواسته‌هایی به‌ویژه مانند توقف برنامه خصوصی‌سازی، لغو قراردادهای موقت، حذف پیمانکاران نیروی کار، افزایش دستمزد، و احیای حقوق سندیکایی طرح و پیگیری شوند. نکته‌های مبرم و مهم در این مقطع زمانی عبارتند از دوری از تفرقه، تشدید مبارزه و سازمان‌دهی اعتصاب با تأکید بر وحدت سندیکایی است. باید با پیگیری و شکست‌ناپذیری و استفاده از همه امکانات بدون استثنا خواست احیای حقوق سندیکایی را به یک اولویت و مطالبه فوری فرارویانند. هم‌زمان با منطقی و استدلال و تأکید بر اتحاد عمل فراگیر دیدگاه‌های مغایر با واقعیت‌های موجود در میان برخی از حرکت‌های سندیکایی را به درپیش گرفتن این اتحاد عمل مجاب ساخته و به این ترتیب مانع از شکاف و تفرقه در مبارزه شد. در این زمینه لازم است تأکید کنیم گرچه استفاده از فضای مجازی از جمله کلاب‌هوس‌ها و نظایر آن بی‌فایده نیست، اما محدود شدن و بسنده کردن به این فضا به معنی دور شدن از میدان واقعی مبارزه یعنی فعالیت پیگیرانه در میان توده‌های کارگر در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها است. طبقه کارگر و زحمتکشان در مقابل یورش گسترده‌ای که رژیم با روی کار آوردن دولت ابراهیم رئیسی در تدارک آن است راهی جز تشدید مبارزه، اتحاد عمل و استقلال عمل طبقاتی ندارند. روزهای پرتلاش و دشوار در پیش است. کلان سرمایه‌داری و لایه‌های انگلی حامیان دولت ابراهیم رئیسی هستند. این دولت زیر نظارت ولی فقیه نه توان تأمین حقوق زحمتکشان را دارد و نه مایل به تأمین آن است.

ادامه زحمتکشان برای دستیابی به مطالبه خود ...

حضور یافته بود تا به‌زعم خویش مشکلات کارگران را از زبان خود آنان بشنود، رئیس سازمان برنامه‌ریزی و بودجه با تأکید یادآوری کرد که بر اساس راهبرد دولت سیزدهم اصلاح سیاست‌های اقتصادی با رفع موانع سرمایه‌گذاری و تقویت بخش خصوصی به‌پیش برده خواهد شد. البته بخش خصوصی موردنظر دولت ابراهیم رئیسی، بخش خصوصی مولد و مرتبط با صنعت و تولید نیست و نباید فریب بازی با واژه‌ها را خورد که از سوی مسئولان حکومتی رواج یافته است. هنوز زمان زیادی از این موضع‌گیری رئیس سازمان برنامه‌ریزی و بودجه نگذشته بود که مجلس شورای اسلامی با تصمیم‌گیری‌ای جدید، واردات خودرو را به کشور آزاد اعلام کرد. در حقیقت مجلس با چنین تصمیمی و با حمایت از راهبرد اقتصادی دولت دور تازه‌ای از برنامه آزادسازی اقتصادی را آغاز کرده است. این تصمیم مجلس منافع تجار بزرگ، شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران، بنیادهای انگلی و دلال‌های عمده را تأمین و رانت این لایه‌های انگلی را تضمین می‌کند. اما همین مجلس و هم‌زمان با مصوبه آزادسازی واردات خودرو با سماجت و گستاخی از هر طرح و اقدامی حتی نیم‌بند به‌سود حقوق و دستمزد طبقه کارگر و زحمتکشان امتناع می‌کند. مجلس در اقدامی که دور از انتظار هم نبود، طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت را به‌پهانه بار مالی آن رد کرد. مطرح نشدن و تصویب نکردن این طرح سیما و سرشت واقعی نمایندگان برگمارده ولی فقیه و نهادهای امنیتی را برای زحمتکشان به‌ویژه کارگران و کارمندان صنعت ملی نفت ایران آشکار ساخت. طرح یادشده زمانی تدوین شد که اعتصاب کارگران پروژه‌ای صنایع نفت، گاز، و پتروشیمی نگرانی سران و گردانندگان حکومت جمهوری اسلامی را برانگیخته بود. زمانی که مزه‌های تدوین و ارایه طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت از سوی رژیم به گوش می‌رسید شماری از فعالان و مبارزان جنبش سندیکایی به‌دراستی آن را اقدامی صرفاً تبلیغاتی می‌دانستند. با رد این طرح، حکومت جمهوری اسلامی به خواست تبدیل وضعیت نیروی کار یعنی قطع دست پیمانکاران و لغو قراردادهای موقت در زیرمجموعه وزارت نفت پاسخ منفی داد. آیا نباید میان تأکید رئیس سازمان برنامه‌ریزی و بودجه بر تقویت بخش خصوصی دلال و مصوبه مجلس برای آزادسازی واردات خودرو که مقدمه آزادسازی قیمت‌ها نیز هست پیوند و رابطه‌ای را با رد و به بايگانی سپردن طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت تشخیص داد؟! آزادسازی بازار خودرو میلیون‌ها تومان تعهد ارزی به‌وجود می‌آورد اما سودهایی هنگفت برای دلال‌ها تأمین می‌کند. این تعهد ارزی اما "بار مالی" شناخته نمی‌شود. درعین حال حذف پیمانکاران نیروی کار، لغو قراردادهای موقت، و برابری مزدی از نگاه رژیم ولایت فقیه "بار مالی" داشته و لاجرم تصویب و اجرایی شدن نیست!

به این ترتیب و با توجه به موضوع‌هایی که به آن‌ها اشاره شد، به اهمیت اصل تشدید مبارزه، استقلال عمل طبقاتی و وحدت سندیکایی برای تأمین مطالبه‌های کارگران بهتر می‌توان بی‌برد. تبلیغ برای تشکیل جلسات شورای عالی کار با هدف ترمیم مزد یکی از این اقدام‌هاست که صرفاً چارچوب و مرزبندی‌های نظام را رعایت و برای اصل استقلال عمل طبقاتی و به‌کارگیری سلاح مؤثر اعتصاب امنیتی قائل نیست. بدون تشدید مبارزه و پیوند اعتصاب‌ها به یکدیگر با توجه به امکانات موجود نمی‌توان به تشکیل جلسات شورای عالی کار و تحقق هدف مهم ترمیم مزد چشم امید داشت. ترکیب شورای عالی کار، موضع‌گیری‌های وزیر جدید کار و مهم‌تر از همه راهبرد اقتصادی- اجتماعی حکومت جمهوری اسلامی نشان می‌دهند سیاست "تمنا و التماس" از حکومت و ترساندن زحمتکشان از سازمان‌دهی اعتصاب برای تأمین مطالبات‌شان راه به‌جایی نخواهد برد. اکنون از کارگران معدن تا فرهنگیان و نفتگران همگی توقف خصوصی‌سازی و برقراری اصل مزد یکسان در برابر کار یکسان را خواستار هستند. اما گرایش معینی، مستقیم و غیرمستقیم، دانسته یا نادانسته، درهماهنگی با تشکل‌های زرد حکومتی و با طرح شعارهایی انحرافی به‌میزان آمادگی و بویه رشد آگاهی طبقاتی لطمه وارد می‌آورد. به‌طور مثال، در موضوع توقف خصوصی‌سازی، این گرایش، مبارزه علیه برنامه ضد ملی خصوصی‌سازی را به سطح "اهلیت نداشتن افرادی که سهام به آن‌ها واگذار شده" یا "مشکل نه در اصل خصوصی‌سازی بلکه در ترکیب هیئت‌های واگذاری است" تنزل می‌دهند. با این گرایش‌ها باید به‌صورت متشکل و منطقی برخورد و بخش‌های ناسالم را کاملاً و قاطعانه افشا کرد. ما بارها نسبت به خوش‌بینی‌های غیرموجه و زیان‌بخش به‌ویژه در

اجرای برنامه تعدیل ساختاری زندگی بازنشستگان را به زیر خط فقر کشانده است

با هزینه‌های لگام‌گسیخته درمان بعد از اجرای دو دور به اصطلاح همسان‌سازی حقوق، مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی به حدود ۴ میلیون تومان یعنی یک سوم خط فقر حداقلی ۱۲ میلیون تومان در ماه رسیده بود. بار دیگر برای دستیابی به مستمری بالاتر از خط فقر و درمان رایگان، روز ۱۱ مهرماه بازنشستگان کارگری در مقابل مجلس در تهران و مقابل ادارات تأمین اجتماعی در ده‌ها شهر کشورمان تجمع‌هایی اعتراضی برگزار کردند. روز ۱۲ مهرماه بازنشستگان شرکت هواپیمایی (هما)، در اعتراض به دریافت نکردن مستمری‌شان مقابل سازمان برنامه‌بودجه تجمع اعتراضی برگزار کردند. تا کنون رژیم ولایتی گامی جدی و عملی‌ای به‌پیش در جهت تأمین خواسته‌های بازنشستگان به‌ویژه کارگران بازنشسته بر نداشته و مسائل مبرمی مانند همسان‌سازی، افزایش مستمری، و درمان رایگان هم‌چنان از مطالبه‌های تحقق‌نیافته بازنشستگان زحمتکش کشورمان است.

در تمامی اعتراض‌ها و تجمع‌های اعتراضی، بازنشستگان به‌ویژه بازنشستگان کارگری خواسته‌های مهم‌شان را چنین عنوان کرده‌اند: رسیدن به حق و حقوق قانونی از کارافتادگان و بازنندگان حداقل بگیران، دریافت ۲۵ درصد الباقی ۷۵ درصد از ۱۰۰ درصد متناسب‌سازی حقوق، در نظر گرفتن حق عائله‌مندی برای خانم‌های بازنشسته، دائمی شدن همسان‌سازی حقوق بازنشستگان کارگری، افزایش حقوق بر اساس سبد معیشت و مواد ۹۶ و ۱۱۱ تأمین اجتماعی، پرداخت بدهی ۸۹ هزار میلیارد تومانی دولت به تأمین اجتماعی، عدم برداشت از صندوق سازمان تأمین اجتماعی، الزام به درمان کامل و رایگان تمام

ذی‌نفعان سازمان تأمین اجتماعی، برگشت بیش از ۱۰۰ قلم دارو به تحت پوشش بیمه، و پرداخت عیدی به بازنشستگان همانند کارگران شاغل به میزان دو ماه حقوق. با تورم لگام‌گسیخته و با مستمری یک سوم خط فقر بازنشستگان، برگزاری ایلنا، ۶ مهرماه، با تأکید روی "حذف لبنیات و تخم‌مرغ" از سفره‌های زحمتکشان، نوشت: "اول گوشت قرمز، بعد گوشت سفید و در مرحله بعد، برنج که هر کیلو ۵۰ هزار تومان است، حذف شدند و امروز لبنیات و تخم‌مرغ نیز در حال پرکشیدن از سفره‌ها هستند." در یک چنین شرایطی کارگران و بازنشستگان انتظار ترمیم دستمزد و مستمری خود را داشتند، اما رژیم ولایت فقیه اجرای فاز دیگری از هدفمندی یارانه‌ها و تحمیل سیاست صدقه‌ای و فقر گسترده‌تر به زحمتکشان را به‌عنوان راه‌حل برای تأمین کسری بودجه انتخاب کرده است. در حالی که کارگران رژیم از نیاز ۶۰ میلیون نفر از جمعیت کشور به دریافت یارانه صحبت می‌کنند، هدف رژیم ولایتی با ترفند "اصلاح و واقعی کردن قیمت برق" و حذف "یارانه پنهان انرژی در کشور"، تعمیق دستبردش به سفره زحمتکشان در فقر مطلق آنان است. با حذف یارانه‌های به اصطلاح "اشکار و پنهان" و در نظر گرفتن دولت به‌عنوان "پدر جامعه"، رژیم فاسد ولایتی قصد دارد "یارانه پدانه" به زحمتکشان پرداخت کند. رئیس انجمن سالمندان ایران به ایلنا، ۶ مهرماه، گفت: "فقر در جامعه سالمندی دو برابر سایر رده‌های سنی است و این میزان فقر در زنان سالمند بیشتر است... ۵۵ درصد از سالمندان حقوق بازنشستگی نمی‌گیرند." به‌عبارت‌دیگر، بازنشستگان کارگری که مستمری یک سوم خط فقر را دریافت می‌کنند وضعیت‌شان از وضع اسفباری که رژیم ولایتی برای دیگر شهروندان به‌وجود آورده بهتر است. با سازمان‌دهی مبارزه زحمتکشان می‌توان به فقر و فلاکتی که رژیم فاسد ولایتی به آنان تحمیل کرده است پایان داد.

اعتصاب معدنکاران: مطالبه کارگران معدن چیست؟

اعتصاب کارگران معدن‌های زغال‌سنگ و مس وارد دور تازه‌ای شده است. با آغاز دور جدیدی از اعتصاب کارگران معدن زغال‌سنگ در شهرستان زرنده کرمان از ۶ مهرماه، در تجمع اعتراضی ۱۲ مهرماه، کارگران خواستار بازگرداندن مالکیت معدن به دولت و حذف پیمانکاران و انعقاد قرارداد مستقیم شدند. روز ۱۰ مهرماه یکی از کارگران زغال‌سنگ پابادانا به ایلنا گفت: "در پابادانا چند تونل و کارگاه معدنی است؛ کارگرانی که در کارگاه‌های دولتی کار می‌کنند... متوسط حقوق‌شان هفت یا هشت میلیون تومان است اما ما در بخش‌های خصوصی شده و برای کارفرمای پیمانکاری کار می‌کنیم... دستمزد ما در حد حداقل حقوق وزارت کار [۴ میلیون تومان] است... درست نیست برای کار یکسان در یک منطقه یکسان، دستمزدها متفاوت باشند." در یورش نیروهای امنیتی رژیم به تجمع اعتراضی کارگران، یک زن و کودک از خانواده کارگران صدمه دیدند. این رشته اعتراض و اعتصاب‌ها که سمت اصلی آن علیه برنامه خصوصی‌سازی و حضور پیمانکاران نیروی کار است در مقطع زمانی کنونی اهمیتی به‌سزا دارد. در چهار ماه اخیر رسانه‌های خبری اشاره‌هایی به "واگذاری ۶ هزار معدن به بخش خصوصی" کرده‌اند. اما بر اساس گزارش ۲۸ تیرماه ایلنا: "مزایده در سکوت خبری، با شرکت ۳ هزار نفر در ۲۷ خرداد به پایان رسیده بود. به‌نظر می‌رسد در ماه‌های آخر دولت روحانی، کارگزاران دولت او نقشه تاراج ۶ هزار معدن کشور را نیز کشیده بودند. گرچه نمایندگان مجلس اصولگرا مخالفتی با تاراج و خصوصی‌سازی ۶ هزار معدن نداشتند، اما در پیشبرد دعوی جناحی رژیم، صرفاً به فکر "اهلیت" و "صلاحیت" شرکت کنندگان در مزایده [تاراج] بودند. به‌عنوان نمونه، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفته بود: "اگر بدون بررسی اهلیت، صلاحیت و توانایی افراد، معادن واگذار شوند، داستان بالاتکلیف بودن ۶ هزار معدن باوجود واگذار شدن آن‌ها دوباره تکرار می‌شود." درنهایت روز ۲۱ تیرماه معاون امور معدن و صنایع وزارت صمت "دستور توقف در اعلام نتایج مزایده معدن را صادر کرد." به‌عبارت‌دیگر، چپاول آینده این معدن به دولت رئیسی موکول شد. به‌رغم تشدید سرکوب در دولت سیزدهم رئیسی، مبارزه کارگران معدن علیه سیاست‌های تعدیل ساختاری نیز شدت یافته است. در اعتراض به تبعیض فاحش در پرداخت دستمزد، اجرای نیم‌بند طرح طبقه‌بندی مشاغل، اخراج اولیه هفت نفر از کارگران و بازداشت ۴ کارگر دیگر، روز ۴ مهرماه کارگران پیمانکاری شرکت صنایع ملی مس مقابل اداره کار و اداره اماکن شهر بابک کرمان تجمع اعتراضی برگزار کردند. اخراج ۷ نفر از کارگران موجب درگیری میان مدیران شرکت و کارگران شده بود. اما ۴ کارگر به‌علت پیگیری مطالبات خود و همکاری‌شان با زداشت شده بودند، و در درگیری حضور نداشتند. کارگران معترض خواهان آزادی بازداشت‌شدگان هستند.

با مقررات‌زدایی لگام‌گسیخته به‌منظور افزایش سود، در سال‌های اخیر ما شاهد افزایش بی‌سابقه تعداد حوادث مرگ‌بار نیز بوده‌ایم. دو حادثه جدی‌گانه معدن زغال‌سنگ اخیر در ۲۳ شهریورماه، موجب جان باختن دو کارگر و صدمه دیدن تعداد دیگری شد. آرمان ملی در گزارشی، ۲۴ شهریورماه، از رخ دادن ۲ هزار حوادث معدنی در سال‌های دهه ۱۳۹۰ و آسیب دیدن ۱۳ هزار کارگر و جان باختن ۴۳۰ کارگر خبر داد، و نوشت: "بعد از حادثه زمستان یورت در سال ۹۶ دولت مصوب کرد که پایگاه‌های امداد و نجات در مناطق زغال‌خیز دایر شود... ولی متأسفانه این پایگاه‌ها ایجاد نشد." در گزارش ۵ مهرماه ۱۴۰۰ خبرگزاری ایلنا از افزایش ۲٫۳ برابری حوادث کار در مدت ۵ سال بعد از سال ۱۳۹۴، و افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی تعداد حادثه دیدگان تنها در عرض یک سال بین ۹۸ و ۹۹ خبر داد. با مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سندیکاهای مستقل، باید به تاراج منابع ملی توسط رژیم ولایتی، نبود امکانات ایمنی کار و افزایش شمار حوادث کار و بهره‌کشی وحشیانه دلالت نیروی کار پایان داد. یکپارچه و متحد از اعتصاب کارگران معدن حمایت کنیم.

ادامه از خواسته‌های فرهنگیان ...

سرمزین است. معلمان در این اعتراضات و در زیر سایه همه‌گیری ویروس کرونا، خواستار مایه‌کوبی همگانی و رایگان تا قبل از بازگشایی مدارس شدند. معلمان همچنین در صورت آموزش غیرحضوری، خواستار تقویت و گسترش اینترنت، با اختیار گذاشتن رایگان گوشی‌های هوشمند و تبلت با قابلیت نصب نرم‌افزار مخصوص به آن در شبکه مجازی "شاد" هستند.

معلمان آموزش و پرورش برای پیگیری اجرای رتبه‌بندی و افزایش حقوق روز سه‌شنبه ۲۳ شهریورماه در چند شهر کشور تجمع کرده بودند و خواهان اجرای کامل رتبه‌بندی‌ای شدند که افزایش دستمزدهای آنان را تا ۸۰ درصد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها تضمین می‌کند. درحالی‌که معلمان تعیین تکلیف وضعیت رتبه‌بندی را خواهان‌اند، لایحه مربوط به اجرای رتبه‌بندی با مخالفت دولت و سازمان برنامه‌بودجه و همچنین مجلس مواجه شده است. علاوه بر این‌ها، معلمان در اعتراض‌های سراسری‌شان اعلام کردند که تا طرح رتبه‌بندی اجرا نشود خبری از بازگشایی کلاس‌های درس نیست. معلمان با اعتراضات گسترده و همگانی در سطح کشور، بازم بر امر مهم اتحاد و همبستگی برای رسیدن به خواسته‌های صنفی و عدالت‌خواهانه تأکید ورزیدند و با صدایی رسا اعلام کردند که تا رسیدن به هدف‌ها و خواسته‌های‌شان دست از اعتراض و مبارزه بر نخواهند داشت. باید در این مبارزه از خواسته‌های بر حق معلمان حمایت و تا آخرین لحظه همراهشان بود. مبارزه فرهنگیان در این مقطع زمانی بسیار بااهمیت بوده و در گسترش جنبش اعتراضی طبقه کارگر و زحمتکشان می‌تواند نقشی مؤثر داشته باشد.

تبلیغات ضعیف در انتخابات قبلی فدرال و اختلاف و فرصت‌طلبی در رهبری "کنگره کار کانادا" (سی - آل - سی) در عمل باعث شد این کنگره کار نتواند جای پای در عرصه سیاست پیدا کند و اغلب خواست‌های کارگران و اتحادیه‌های صنعتی به فراموشی سپرده شوند و تحقق نیابند. جنبش کارگری کانادا نقاط قوت فوق‌العاده‌ای دارد. بدیهی است که گستردگی این جنبش امتیازی بزرگ محسوب می‌شود، زیرا کنگره کار کانادا بیش از ۳ میلیون کارگر متحد از تمامی بخش‌های صنعتی کانادا را در بر می‌گیرد. اما موضوع مهم این است که در بین جنبش‌های اجتماعی جنبش کارگری صاحب ویژگی‌ای برجسته است. به این معنا که تنها طبقه سازمان یافته بر اساس تولید در جامعه طبقاتی است. این واقعیت طبقه کارگر را در نقطه‌ای قرار می‌دهد که جامعه ما بر اساس آن در تعادل است: "بدون نیروی بازوی کار و مغز ما، حتی یک چرخ هم نمی‌چرخد!"

برآیند این نقاط قوت، نیروی کار بیدی و فکری همان چیزی است که جنبش کارگری نیاز دارد. ... کارگران باید رهبری اتحادیه‌ها را هرچه بیشتر به حضور در مبارزات سیاسی وادار کنند و خواست‌های طبقه کارگر را ارتقا داده و به‌طور وسیع مسائل و نیازهای خود را از دید طبقاتی مطرح و بیان کنند (برنامه حزب کمونیست کانادا برای بهبود وضعیت مردم" مثالی بسیار عالی در این مورد است). مشارکت نکردن در فعالیتهای سیاسی می‌تواند فاجعه‌آمیز باشد. اعتصاب اعضای "اتحادیه خدمات عمومی کانادا" (پی - اس - آ - سی) در سال ۱۹۹۱ /



در راه تقویت و تحکیم جایگاه جنبش کارگری و سندیکایی کانادا

سندیکاهای کارگری در عرصه مبارزه سیاسی بی طرف و خنثی نیستند!



امسال سی‌امین سالگرد بزرگ‌ترین اعتصاب یک اتحادیه کارگری در سراسر تاریخ کانادا است. اعتصاب یکصدوپانزده هزار تن از کارکنان خدمات عمومی دولت فدرال کانادا توسط اعضای اتحادیه خدمات عمومی کانادا (پی - ای - آ - سی) سازمان‌دهی شد. گرمی‌داشت و بررسی این رویداد تاریخی فرصتی مناسب برای زحمتکشان و جنبش کارگری فراهم می‌آورد تا در آن خواست‌هایشان را مطرح و برای تحقق آن‌ها مبارزه کنند. به‌طورکلی [با توجه به وضعیت ویژه کانادا مطابق دیدگاه حزب کمونیست کانادا] دولت‌های اقلیت برای طبقه کارگر به دلیل ساختار و ماهیت خود طبقه کارگر، فرصتی مناسب برای

نیروهای مترقی ایجاد می‌کند تا به منظور تصویب قوانینی ترقی‌خواهانه فشارهایشان را افزایش دهند. این درحالی است که رسانه‌های شرکت‌های بزرگ گله و شکایت می‌کنند که یک دولت اقلیت به‌طور کامل توانایی تأمین منافع آن‌ها را نخواهد داشت تا از بحران کرونا و پیامد اقتصادی آن خارج شوند. با توجه به این مجموعه مسائل جنبش کارگری فرصت مجدد سازمان‌دهی مبارزه را باید در دستورکار قرار دهد.

طبقه کارگر دقیقاً به این فرصت مجدد نیاز دارد. فراموش نکنیم واکنش و سیاست غالب در جنبش کارگری در برخورد با پارلمان قبلی کانادا بسیار دور از انتظار بود. آنچه مسلم است تأثیرات اقتصادی همه‌گیری کرونا بسیاری از سندیکاها را در سال ۲۰۲۰ / ۱۳۹۹ به‌زانو درآورد. فعالیتهای مبارزاتی بسیاری از اتحادیه‌های رزمجو محدود شد. ضعف رهبری جنبش کارگری و سندیکایی بسیار پیش از همه‌گیری کرونا خود را نشان داده بود. حضور و

نشریه "صدای مردم"، وابسته به حزب کمونیست کانادا - ۱۵ شهریورماه ۱۴۰۰
<http://peoplesvoice.ca/2021/09/06/time-for-labours-shot-across-the-bow/>

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
 آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
<http://www.tudehpartyiran.org>
 آدرس های اینترنت و «ای-میل»
 E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۵۱
 Nameh Mardom - Workers Supplement No.51

11 October 2021

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

004930
 23629727

